

تحول پارادایمی نفوذ و ملاحظات امنیتی

سیامک باقری چوکامی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۵

چکیده

پارادایم‌ها یا الگوواره‌های هر عصری به دلیل تحولات محیطی، پیشرفت دانش بشری و فناوری‌ها، کارآمدی خود را در توضیح پدیده‌ها و رفتارها از دست داده و ناگزیر به جابه‌جایی با پارادایم‌های جدید هستند. پارادایم نفوذ نیز مشمول همین قاعده بوده و در سیر تاریخی خود دچار تطور شده است. از این‌رو، هدف اصلی این پژوهش شناخت ماهیت نفوذ در قرن بیست و یکم و ملاحظات امنیتی متناسب با هویت فرانونین است. روش دستیابی به این هدف توصیفی-تحلیلی است و جمع‌آوری داده‌ها نیز براساس اسناد و مدارک علمی صورت می‌گیرد. نتیجه اجمالی این پژوهش این است که پارادایم نفوذ سنتی و نوین که محصول قرون گذشته است، توانایی توضیح شرایط جدید قرن بیست و یکم و به‌ویژه معارضة دشمن علیه جمهوری اسلامی ایران را ندارد. در عصر کنونی نفوذ از حیث گفتمانی، بازیگران، هدف‌گذاری‌ها، آماج، عرصه‌ها و حوزه‌ها، روش‌ها، تکنیک‌ها و ابزارها متحول شده و نسبت به پارادایم نفوذ سنتی و نفوذ مدرن، بسیار متنوع، پیچیده و مرکب شده است به‌نحوی که باید از آن به الگوواره نفوذ فرانونین یاد کرد. از آن‌جایی که هویت نفوذ فرانونین منبعث از قدرت نرم، مولد، مجازی، هوشمند و بهره‌مند از یافته‌های دانش علوم رفتاری (به‌ویژه نظریه‌های روان‌شناسی و علوم ارتباطات) و علوم دقیقه به مثابه قواعد رزم است، به‌طور طبیعی ملاحظات امنیتی جدیدی را برای مواجهه با آن ضرورت بخشیده است.

کلید واژگان: پارادایم، نفوذ، نفوذ سنتی، نفوذ نوین، نفوذ فرانونین، ملاحظات امنیتی

مقدمه

۱. بیان مسئله

نفوذ یکی از واژگان پر کاربرد در علوم اجتماعی، سیاسی، استراتژیک و اطلاعاتی است. شناخت عمومی از این مفهوم بیشتر با مفاهیم جاسوسی و عملیات اطلاعاتی متبادر می‌شود. تبارشناسی مفهوم نفوذ، نفوذی و نفوذگذاری بیانگر جنبه‌ای از قدرت بازیگران سیاسی اعم دولت‌ها، سازمان‌های اطلاعاتی، گروه‌ها و جریان‌هاست که برای تأثیرگذاری بر رقیب و حریف با هدف افزایش و توسعه منافع، اهداف و قدرت ملی در حوزه‌های مختلف (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی-نظامی و...) به کار برده می‌شود. دولت‌ها برای اعمال نفوذ از ابزارها و شیوه‌های مختلفی استفاده کرده‌اند (هالستی، ۱۳۷۲: ۱۳۴-۱۳۶) اما دیرینه شناسی نفوذ نشان می‌دهد که جریان اعمال نفوذ به دلایل مختلف همواره یکسان نبوده است. در واقع نفوذ در روند تطور تاریخی خود، تابع جریان قدرت و متأثر از سیطره گفتمانی و نظام دانایی (پارادایم) حاکم بر مقوله قدرت در هر دوره‌ای و نیز فناوری‌های عصر خود بوده است. از این‌رو، آنچه امروزه به عنوان نفوذ با آن مواجهیم، با مصادیق نخستین آن تفاوت بارزی دارد؛ به نحوی که از بساطت مفهومی و عینی فاصله گرفته و شکل پیچیده و چند ضلعی و نرم پیدا کرده است. اگرچه جوهره نفوذ همان ضربه زدن به رقیب یا حریف به منظور تضعیف عناصر قدرت، تغییر رفتار یا تغییر رژیم می‌باشد، اما تغییر ماهیت نفوذ از سادگی به پیچیدگی و از سخت به نرم و هوشمند، توانایی‌ها و قابلیت‌های تأثیرگذاری بسیار متفاوتی را به بازیگران قدرت برای تغییر بازیگران مقابل داده است، که نیازمند مطالعات علمی در تحول پارادایمی و ملاحظات امنیتی آن است.

بخشی از انگیزه طرح این بحث از همین امر ناشی می‌شود که بازتاب آن را می‌توان در بیانات و دغدغه‌های ابراز شده رهبر معظم انقلاب جستجو کرد که فرمودند نفوذ بزرگ‌ترین تهدید جمهوری اسلامی ایران است. (بیانات، ۱۳۹۴/۶/۲۵) راهبردی که پس از جنگ نرم مورد توجه نظام سلطه قرار گرفته و مرحله سوم حمله استکبار علیه انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. (بیانات، ۱۳۹۵/۳/۶) به نظر می‌رسد طرح نفوذ پس از جنگ نرم از سوی رهبر معظم

انقلاب، التفات او از این تحول پارادایمی است که مقابله با نفوذ بدون شناخت تحول پارادایمی و ماهیت شناسی آن میسر نیست.

این اهمیت راهبردی، بسیاری از تحلیل‌گران را به پرداختن آن علاقه‌مند کرده است. (رستمی، ۱۳۹۵، قاسمی شوب، ۱۳۹۵) با وجود این، روح حاکم بیشتر این پژوهش‌ها، پارادایم سنتی و نوین است. هرچند در میان پژوهش‌های موجود، مقاله علی اکبر احمدیان (۱۳۹۴) نظریه نفوذ، تبیین ماهیت انواع نفوذ و رابطه آنها با دستگاه چهار طیفی تهدید، تاحدودی گام جدید و متفاوت با سایر پژوهش‌های مربوط به نفوذ می‌باشد، اما به‌رغم این تحقیقات هنوز برای شناخت نفوذ در عصر کنونی و تمایز آن با پارادایم‌های گذشته فاصله زیادی وجود دارد. از این‌رو، مسئله اصلی این پژوهش چیستی (ماهیت) نفوذ فرانوین و تمایز پارادایمی آن با نفوذ سنتی و نوین است و اینکه نفوذ در شرایط فرانوین دارای چه ملاحظات امنیتی آن است.

۲. پیشینه تحقیق

موضوع نفوذ توجه رشته‌های مختلف علمی و تحقیقی را به‌خود جلب کرده و پژوهش‌های متعددی در این زمینه نگارش یافته است.

یک) مطالعات اطلاعات امنیتی: بیشترین مباحث نفوذ به این دسته از مطالعات اختصاص دارد. به‌عنوان نمونه می‌توان به مقاله سعادت قلی پورآذر (۱۳۹۳) تحت عنوان «بررسی نشانگاه‌های اطلاعاتی-امنیتی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» اشاره کرد که تلاش برای شناسایی سازمان‌ها و نهادهای پوششی رژیم صهیونیستی و بیان ماهیت و نوع عملکرد اطلاعاتی آنها دارد. برای این منظور در هر بخش و برای فهم درست از ارکان مقاله، شش مدل تحلیلی ارائه شده است. مقاله دیگر تحت نام «شناخت پیشرفته‌ترین ابزارها و روش‌های جاسوسی و نفوذ دشمن از طریق فناوری و ارائه راه کارهای مقابله‌ای» از میلاد رستمی (۱۳۹۴) است. این مقاله با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و اسنادی تجهیزات و ابزارهای مقابله با جاسوسی و نفوذ دشمن را که از طریق فناوری (شامل شنودی و بصری در شبکه‌های

مخابراتی و خطوط تلفنی و ارتباطات رایانه‌ای و اینترنتی و اماکن کاری و زندگی ما می‌باشد، مورد بررسی و مطالعه قرار داده است.

دو) مطالعات سیاسی: مباحث نفوذ در مطالعات سیاسی اعم از علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز کم نیست. یکی از آنها، پژوهش‌هایستی (۱۳۷۲) تحت نام «اعمال سیاست خارجی: قدرت، توانایی و نفوذ» است. در این مقاله به چگونگی جریان اعمال نفوذ در سیاست بین‌الملل پرداخته شده است. همچنین به روش‌ها و شیوه‌های نفوذ گذاری دولت‌ها در صحنه بین‌الملل پرداخته است. به اعتقاد نویسنده روند سیاست بین‌الملل هنگامی آغاز می‌شود که یک دولت می‌کوشد با اعمال و علامت‌های گوناگون دیگر دولت‌ها را تغییر دهد یا ثابت نگه دارد. مورد دیگر بحث «نفوذ چیست» توسط رابرت دال و استاین بریکنر (۱۳۹۲) است که هفت شکل نفوذ در عرصه سیاسی را مورد بررسی قرار داده است.

سه) مطالعات امنیتی: در این مطالعات موضوع نفوذ کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از جمله مقالات در این زمینه، مقاله «نظریه نفوذ، تبیین ماهیت انواع نفوذ و رابطه آنها با دستگاه چهار طیفی تهدید» علی اکبر احمدیان (۱۳۹۴) است. این مقاله در صدد رابطه انواع چهارگانه نفوذ را با دستگاه سه طیفی و چهار طیفی تهدید، تبیین و تحلیل درستی از رابطه‌ای بین جنگ نرم و نفوذ نرم ارائه نماید. در بررسی مسئله از روش کیفی و بهره‌گیری از تکنیک نظریه پردازی و مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده گردیده است

چهار) مطالعات فرهنگی: از نمونه‌های پژوهشی در این دسته مقاله «شیوه‌های نفوذ و سلطه فرهنگی در روابط بین‌الملل» نوشته محمد ستوده (۱۳۷۲) است که تلاش دارد نشان دهد که استعمار برای اعمال نفوذ در شرایط مختلف به تناسب‌های متفاوت از راه‌ها و شیوه‌های متعدد سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی استفاده می‌نماید. در دو دهه اخیر شیوه‌های اقتصادی و فرهنگی مورد توجه بیشتری بوده است. اعمال سلطه و نفوذ در دوران استعمار سنتی، بیشتر بر محور نظامی بوده و امروزه بیشتر بر محور شیوه‌های اقتصادی و فرهنگی استوار است و استفاده از ابزارهای فرهنگی به مرور زمان گسترده و پیچیده شده است.

مطالعات بررسی شده بیانگر این واقعیت است که موضوع نفوذ از منظر تحول پارادایمی مورد توجه محققان قرار نگرفته است. از این‌رو، نوآوری این بررسی تطبیق شاخص‌های پارادایم‌های نفوذ در تطور تاریخی است که از رهگذر آن، می‌توان به شناخت نسبی در زمینه مختصات الگوواره نفوذ فرانونین دست یافت. این بررسی می‌تواند انگیزه‌های پرداختن به پژوهش‌های تکمیلی را فراهم سازد و در عین حال، هوشیاری نسبی را برای ملاحظات امنیتی در پارادایم نفوذ فرانونین به‌وجود آورد.

واکاوی مفهومی پارادایم و نفوذ

تعاریف مختلفی از مفهوم پارادایم ارائه شده است. پارادایم یا الگوواره در معنای عام یک سرمشق و الگوی مسلط و چارچوب فکری و فرهنگی است. کوهن در دیپاچه کتاب خود می‌نویسد که مقصود او از پارادایم، «دستاوردهای مورد قبول قرار گرفته عمومی است که در یک دوره از زمان، مسائل نمونه و راه حل‌های آن‌ها برای جامعه‌ای از مشتغلان به علوم فراهم می‌آورد» (کوهن، ۱۳۶۹: ۱۲) از این‌رو، هر فرد، گروه یا جامعه، واقعیات پیرامون خود را در چارچوب الگوواره‌ای که به آن عادت کرده تحلیل و توصیف می‌کند. پارادایم راهنمایی برای مسائل انسان است. انسان در چارچوب پارادایم می‌اندیشد، می‌فهمد و قضاوت می‌کند. (کیانی، ۱۳۸۰: ۲) بنابراین پارادایم نفوذ آن جهان بینی، چارچوب فکری و الگوی مسلط در مقوله نفوذ است که همه مناسبات مربوط به آن را معنا می‌بخشد.

تأثیرگذاری را می‌توان مناسب‌ترین معادل برای واژه نفوذ در فرهنگ نامه‌های فارسی یاد کرد. این واژه در زبان انگلیسی به معنای کنش یا قدرتی است که نتیجه‌ای را بدون اعمال آشکار زور یا بدون اعمال مستقیم فرمان، تولید کند. (Webster, 2003, p641) تعریف اصطلاحی نفوذ در حوزه‌های مختلف متفاوت است. به‌عنوان نمونه در روان‌شناسی اجتماعی، نفوذ به معنای توان هم‌رنگ کردن فرد با گروه و کنترل فرد از سوی گروه معنا شده است. (کریمی، ۱۳۷۷: ۱۰۳) در مدیریت نیز هرگونه استفاده از قدرت، نفوذ نامیده می‌شود، درحالی‌که مفهوم نفوذ در علوم سیاسی شکلی از قدرت معنا شده است، اما متمایز از کنترل، اجبار، زور و مداخله. همچنین به روابط علی

اشاره دارد که عامل ذی‌نفوذ، دیگری را وادار به انجام کاری می‌کند. (دال و استاین بریکنر، ۱۳۹۲: ۴۵) بنابراین، نفوذ در این حوزه را می‌توان رابطه میان بازیگرانی دانست که به‌موجب آن، یک بازیگر، بازیگران دیگر را وادار می‌کند تا به‌طریقی که خواست خود آنها نیست، عمل کنند. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶: ۳۱۴) نفوذ در این مقاله معنای عام آن ملاک است که نسبت و رابطه مستقیم با قدرت دارد.

۳. چارچوب نظری تحقیق

الگوی تبیینی پژوهش دلالت بر مجموعه متغیرها یا گزاره‌هایی دارد که به‌صورت منطقی در شبکه‌ای مرتبط با هم قرار گرفته و تبیین‌کننده نظری تحول پارادایمی نفوذ در عصر مدرن است. بررسی مفهومی نفوذ نشان داد که قدرت، هویت کانونی آن را تشکیل می‌دهد، زیرا عنصر قدرت در مفهوم نفوذ نقش کلیدی دارد. چنانچه هالستی در کتاب سیاست بین‌الملل، نفوذ را جنبه‌ای از قدرت دانسته و رابرت دال قدرت را از اشکال نفوذ می‌شمارد. (دال و استاین بریکنر، همان: ۸۷) این بدان معنا است که این دو مفهوم از حیث کار ویژه‌ای نتایج واحدی دارند؛ به‌طور مثال، اگر شخصی بتواند دیگری را متقاعد به تغییر عقیده‌اش درباره یک یا چند موضوع یا انجام و ترک کاری کند در حقیقت نفوذ، تحقق یافته و قدرت، به‌کار گرفته شده است. در واقع هر دو وجه موصوف، دلالت بر محوریت قدرت در تحقق نفوذ دارد. طبیعتاً تحول در الگوواره قدرت، تحول در نفوذ را به‌دنبال دارد. بنابراین، بررسی تحول پارادایمی قدرت مبنای نظری تحول پارادایمی نفوذ محسوب می‌شود و از این حیث می‌توان تطور معنایی نفوذ را توجیه نظری کرد.

۳-۱. اولین پارادایم قدرت بر استعداد و ظرفیت بازیگر «الف» و تلاش موفقیت‌آمیز او از یک‌سو، و تمرکز بر کنترل رفتارهای انضمامی و قابل مشاهده بازیگر «ب» از سوی دیگر از طریق مواجهه مستقیم، بالفعل و آشکار مبتنی است. در این پارادایم اعمال قدرت بر بازیگر «ب» از بیرون و تمرکز بر رفتار و افعال او نه نگرش‌ها و باورها و عواطف او است. این نوع اعمال قدرت بیش از آن‌که ایجابی باشد سلبی است و آمر بر اساس اعمال زور و تنبیه و

مجازات، تابع را به انقیاد و تسلیم خود فرا می‌خواند. یعنی قدرت ماهیت اجباری دارد. این تعریف از قدرت، بیانگر چهره اول قدرت با رویکرد رفتارگرایانه است (dahl, 1957: 203).

۲-۳. دومین پارادایم و الگوواره قدرت دلالت بر فاصله گرفتن از قدرت کاملاً انضمامی و مضیق و سخت‌افزاری دارد. قدرت، در این معنا ناظر بر مداخله نظام‌مند بازیگر «الف» در تولید و تنظیم ترجیحات رقیب است، به نحوی که او را به سوی فقدان تصمیمی که مضر «الف» است، می‌کشانند. بکراک^۱ و باراتز^۲ از این به چهره دوم قدرت یاد کرده‌اند (نک. کلاگ، ۱۳۷۹: ۲۰).

۳-۳. سومین پارادایم قدرت، بیانگر تفاوت ماهوی با الگوواره‌های گذشته قدرت است و ماهیت نافیزیکی، نرم‌افزاری و هنجاری دارد؛ هم چهره سوم قدرت استیون لوکس را شامل می‌شود و هم چهره چهارم قدرت فوکو را، هم قدرت نرم جوزف نای را و هم قدرت مجازی را در بر می‌گیرد. چهره سوم قدرت بر انگیزه‌ها، ارجحیت‌ها و منافع بازیگران دارد. قدرت در این معنا ناظر بر شرایط و روابطی است که بازیگر، از طریق ایجاد خودآگاهی کاذب در بازیگر دیگر، به گونه‌ای ارجحیت‌ها، خواسته‌ها، انتظارات و منافع او را شکل می‌دهد که وی همان چیزی را بخواهد، ترجیح دهد و انتخاب کند که مطلوب بازیگر اول باشد. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۸) چهره چهارم قدرت بر فرآیندها، تکنیک‌ها و فناوری تکوین سوژه‌ها به‌عنوان آثار اعمال قدرت ابژه ساز مورد توجه دارد. قدرت مولد، تولید سوژگی از طریق روابط اجتماعی پراکنده است. طرح قدرت نرم به هر دو وجه آن، یعنی خلق سوژه و ابژه انسانی و شکل دهی به ارجحیت‌ها، ادراکات و اذهان توجه دارد. در هر دو وجه، قدرت به‌صورت پنهان و نامحسوس اعمال می‌گردد، منتهی قدرت مولد خفی‌تر، نامحسوس‌تر و ظریف‌تر است، به گونه‌ای که قربانیان، آن را احساس نمی‌کنند تا در برابر آن مقاومت نمایند. (همان) توجه قدرت مولد به گفتمان‌ها، رویه‌های اجتماعی و سیستم دانش است که از طریق آنها معانی تولید می‌شود. نفوذ نیز در چارچوب فکری و روشی این الگوواره معنای وسیع و عمیقی پیدا

¹ bachrach

² Baratz

می‌کند. قدرت مجازی قدرت واقعیت سازی است. به تعبیر مانوئل کاستلز^۱ جوامع مدرن چنان تغییر ماهیت داده‌اند که شبکه‌ای شده‌اند و بنابراین نمی‌توان در ساخت شبکه‌ای بجز از قدرت شبکه‌ای که مؤلفه‌های آن اجتماعی هستند سخن گفت (کاستلز، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

پارادایم سوم قدرت	پارادایم دوم قدرت	پارادایم اول قدرت
چهره: قدرت نرم، مولد و مجاز و معنای متکثر و پراکنده از قدرت	چهره: قدرت نیمه سخت و نیمه نرم و معنای موسع از قدرت	چهره: قدرت سخت و معنای تقلیل گریانه از قدرت
رهیافت: تفسیرگرایی و گفت‌وگو ایجابی	رهیافت: پوزیتیویسم مدرن و گفت‌وگو سلبی	رهیافت: پوزیتیویسم و گفت‌وگو سلبی
مدیریت و مهندسی افکار، عواطف و ادراکات و شکل دهی به ارجحیت‌ها، خلق سوژه و ایژه انسانی	کنترل رفتار انضمامی، وادار کردن به فقدان تصمیمات.	کنترل رفتار انضمامی، و قابل مشاهده.
مداخله غیر مستقیم، خفی‌تر و کاملاً نرم افزاری	مداخله مستقیم، آشکار و پنهان	مداخله مستقیم و آشکار
جریان اعمال از پایین به بالا و ساختار کروی با تاکید بر میکروفیزیک‌های قدرت	جریان اعمال از بیرون و سلبی و از بالا به پایین و تاکید بر قدرت فرابند	جریان اعمال از بیرون و سلبی و از بالا به پایین



جدول شماره (۱) چارچوب نظری

براساس جدول مقایسه‌ای فوق، مفهوم نفوذ وجه مشترک همه چهره‌های قدرت است؛ چنانچه جوزف نای در کتاب قدرت نرم، ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل آن را تأیید کرده است (نای، ۱۳۸۷: ۴۴).

¹ Manuel Castells

پارادایم‌های نفوذ

مطابق چارچوب نظری، نفوذ در سیر تطور خود متأثر از تحول پارادایمی قدرت است. در این سیر، نفوذ نیز سه الگوواره را تجربه کرده است. در پارادایم اول قدرت با توجه به عصر ظهور و بروز آن، شاهد نفوذ سنتی هستیم. پارادایم دوم قدرت که در عصر مدرن و دوران صنعتی رخ داده است، نفوذ سنتی به نفوذ مدرن یا نو متحول شد، و به تناسب سومین تحول پارادایمی قدرت در عصر نرم افزارگرایی و فرا مدرنیته، نفوذ هویت فراتری از نفوذ مدرن پیدا کرد و به نفوذ فرانوین تبدیل یافت، به گونه‌ای که نفوذ فرانوین را نمی‌توان در پارادایم گذشته تبیین نمود.

- پارادایم نفوذ سنتی

نفوذ و نفوذی در پارادایم سنتی به معنای رخنه در اردوگاه حریف به منظور جمع‌آوری پنهان اسرار نظامی، خرابکاری، یا تأثیرگذاری بر فرماندهان و سربازان برای شکست در جنگ نظامی یا متأثر قراردادن و جلب شخصیت‌های ذی‌نفوذ برای فراهم سازی سلطه سیاسی است. این پارادایم شاهد دو خرده الگوواره نفوذ است. نقطه عطف تمایز این دو الگوواره انقلاب صنعتی است. در الگوی اول، قدیمی‌ترین نفوذ را می‌توان در کتاب هنر جنگ سن تزو^۱ استراتژیست چینی در قرن پنجم قبل از میلاد جستجو کرد. سن تزو درباره نقش شگردهای نرم در شکست دشمن می‌گوید: «در جنگ‌ها با استفاده از صدای طبل‌ها و متأثر کردن اذهان نیروهای دشمن با استفاده از جاسوسان، باید آن چنان وضعیتی را به وجود آورد که موجب شکست دشمن گردد» (تزو، ۱۳۵۹: ۷۶). الگوی نفوذ در این دوره بسیار بسیط و دارای کارکردهای محدودی بود. نفوذ در رابطه با عرصه‌های نظامی و امنیتی تعریف می‌شود و عنصر کلیدی آن جاسوسی و جمع‌آوری اخبار با ابزار انسانی و مشاهده مستقیم در زمان جنگ است.

این وضعیت تا رنسانس و انقلاب صنعتی یعنی قرن ۹/۱۶ ادامه داشت، اما شرایط ناشی از انقلاب صنعتی توجه و رویکردی جدید را در زمینه نفوذ ایجاد کرد. اگرچه در این زمان نفوذ همچنان ماهیت اطلاعاتی دارد، اما برعکس گذشته، در این زمان مقوله نفوذ، سازمان و تشکیلات محدودی پیدا می‌کند و بر همین پایه ساز و کارهای نوینی برای عملیات نفوذ ایجاد می‌شود. صنعتی شدن، تولید و تکثیر ابزارآلات جاسازی، نسخه‌برداری و تجزیه و تحلیل اخبار و اطلاعات را به‌طور کلی دگرگون نمود. در سال ۱۸۳۷، با اختراع داگوتروتایپ (اولین شکل عملی عکس برداری)، جمع‌آوری را به‌طور بنیادی تغییر داد. پیشرفت‌های حمل و نقل و ارتباطات نیز عملیات جاسوسی و نفوذ را متحول ساخت. این وضعیت به‌عوامل اطلاعاتی این امکان را داد که با عنوان جهانگرد بدون برانگیختن شک نیروهای حریف به مقاصد خارجی سفر کنند. نقل مکان، سفر و مهاجرت طی قرن ۱۹ مجموعه عظیمی از کارشناسان زبان و فرهنگ را در اختیار بسیاری از کشورها به‌ویژه امریکا قرار داد. (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۹۱-۹۲) با این‌حال، استفاده حرفه‌ای از الگوی نفوذ اطلاعاتی توسط انگلیس باعث شد تا طی چهار قرن و نیم (از قرن ۹/۱۶ تا ابتدای قرن ۱۳/۲۰) سلطه و امپراتوری عریض و طویل را تشکیل و حفظ نماید (عاصف، ۱۳۷۸: ۵۱-۵۵).

بنابراین، ویژگی‌های اصلی پارادایم نفوذ سنتی، بهره‌گیری از منابع سخت و برای تأثیرگذاری بر حریف است. قلمرو و میدان نفوذ عمدتاً فضای عینی و واقعی را شامل می‌شود؛ عمل نفوذ نیز به‌صورت مأموریت محور صورت می‌گیرد؛ ماهیت نفوذ نیز امنیتی و اطلاعاتی است و کارکرد اصلی آن، عمدتاً جمع‌آوری اطلاعات و اخبار و شناسایی نقاط ضعف و قوت حریف برای مهار و کنترل است. روش جمع‌آوری نیز به‌همان روش که از ابتدای خلقت تأمین می‌شد؛ یعنی اطلاعات انسانی و اطلاعات فیزیکی از طریق مشاهده مستقیم محدود بود. لذا نوع نفوذ، موردی است و به‌صورت رخنه‌عامل یا همان جاسوس در جامعه هدف و یا جذب عامل یعنی جاسوس‌گیری از جامعه هدف با تهدید و تطمیع است. بازیگران نفوذ، دولت‌ها هستند که از طریق سرویس‌های اطلاعاتی تحت پوشش مستشاری

و مبلغان مذهبی عمل می‌کنند. به دلیل رهیافت اثبات‌گرایی در نفوذ سنتی، افکار انسان در این دوره موضوعیت نداشت.

شکل (۱) مختصات نفوذ سنتی



- پارادایم نفوذ نوین

نفوذ در قرن بیستم به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم و آغاز جنگ سرد، به‌طور ماهوی متحول شد به‌نحوی که آماج اصلی نفوذ در این زمان از ابعاد فیزیکی و ملموس قدرت حریف و جامعه هدف، به ابعاد ناملموس قدرت همچون روحیه و اراده ملی، ایدئولوژی و سرمایه اجتماعی با ابزارها و تکنیک‌های جدید و پیشرفته توسعه یافت. از این‌رو، نفوذ مدرن در این دوره از طریق جنگ روانی پیشرفته و جنگ ایدئولوژیک برنامه‌ریزی شده دنبال شد. این نوع جنگ‌ها یکی از نقاط فارق نفوذ نوین و سنتی است؛ زیرا عصر مدرنیته و ورود تکنولوژی ارتباطی و پیشرفت و کاربست علوم روان‌شناسی در این نوع جنگ‌ها، موجب ارتقای کمی و کیفی نفوذ در قرن بیستم شد، به‌گونه‌ای که برد آن وسعت و گسترش یافت، مخاطبان بیشتری در معرض آماج قرار گرفت و ابزارها، روش‌ها و تکنیک‌های نفوذ نیز نسبت به گذشته متنوع و متکثر گردید. انقلاب آنالوگ در اطلاعات ناشی از جنگ جهانی

اول، تأثیر زیادی بر کیفیت نفوذ گذاشت، زیرا در این جنگ بود که اهمیت تصویر برداری هوایی و استفاده از امواج رادیویی اهمیت خود را به نمایش گذارد (میرمحمدی، همان: ۹۲). در دهه ۱۹۴۰ شاهد انقلاب دیجیتالی هستیم که منجر به تغییر دیگری در فناوری اکتساب، تسهیم و ذخیره سازی اطلاعات گردید و تأثیر عظیمی بر نظام‌های اطلاعاتی گذاشت.

در این زمان، آمریکا در توسعه جنگ روانی و تبلیغات فرهنگی سرمایه گذاری زیادی داشت. در سال ۱۹۴۲ فرانکلین روزولت^۱ دفتر اطلاعات جنگ را راه اندازی کرد. دو فرمان سری به وسیله رئیس جمهور وقت امریکا صادر شد که نشان می‌داد امریکا به نفوذ نرم جهت توسعه قدرت جهانی خود اهمیت راهبردی قائل است: یکی فرمان توسعه جنگ‌های سیاسی و دیگری فرمان تشکیل شورای برنامه‌ریزی جنگ روانی است. انگلیسی‌ها نیز برای انجام جنگ تبلیغاتی تهاجمی، سازمان اداره مطالعات و پژوهش (IMP) را راه اندازی کردند. این اداره دو هدف اصلی را در ابتدا تعقیب می‌کرد: هدف اول تهیه تبلیغات به اصطلاح خاکستری برای استفاده در خارج کشور و هدف دوم آماده سازی افکار عمومی انگلستان بود. (عاصف، ۱۳۷۸: ۲۴۳-۲۴۴) آموزش‌های علمی و حرفه‌ای جنگ روانی و عملیات روانی را در سال ۱۹۴۵ زیر نظر اداره اطلاعات دفاعی (DIS) راه انداختند و معتقد بودند که جنگ روانی، چیرگی بر عقل و روان انسان می‌باشد و بدون به‌کارگیری نیروی نظامی و خونریزی می‌توان اندیشه و روحیه ملت‌ها را تحت تأثیر خود قرار داد (گیتی، ۱۳۷۹: ۴).

در چارچوب الگوواره نفوذ نوین، سرویس‌های اطلاعاتی به‌عنوان بخشی از ساختار اداری دولت مدرن چهار کارکرد اصلی پیدا کردند؛ جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل اطلاعات، ضد اطلاعات و اقدام پنهان که تمامی آنها در پی تولید شناخت یا شناخت پیشینی از جهان اطراف سیاست مداران بودند (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۲۸) در این شرایط اطلاعات فیزیکی همزمان با رشد نوع دوم اطلاعات یعنی اطلاعات کلامی به حاشیه رفت و سیستم‌های شنود و رمز شکنی دانشی برای کشف اطلاعات کلامی فضای جدیدی از نفوذ و ضد نفوذ ایجاد کرد.

^۱ Franklin Roosevelt

راه اندازی جبهه فرهنگی، ساماندهی و هدایت «روشنفکران با نفوذ»، «هنرمندان»، «روزنامه‌نگاران»، «ناشران» و «مترجمان»، ایجاد شبکه مطبوعاتی جهان‌شمول، کمک‌های مالی مستقیم یا غیرمستقیم مطبوعات روشن‌فکری و نویسندگان کشورهای مختلف، تألیف و چاپ کتاب‌های مختلفی به سفارش IMP و MI6 و CIA، جریان سازی، تبلیغات، حمایت از گروه‌های سیاسی خاص، ارسال کمک‌های مالی و نظامی، براندازی از جمله کارکردهای نوین سرویس‌های جاسوسی غربی در این دوره است (ساندرس، ۱۳۸۲: ۴-۳ و دمارنش، ۱۳۸۶: ۲۹۱ و عاصف: ۱۲۸) همچنین در این دوره بسیاری از دانش‌ها و علوم در خدمت سازمان‌های جاسوسی قرار گرفت. به‌کارگیری قدرت نیمه سخت و نیمه نرم از ویژگی نفوذ نوین در این عصر است.

توصیفی که نای نظریه پرداز قدرت نرم در خصوص فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دارد در واقع بیانی از کارآمدی پارادایم نفوذ نوین در این واقعه است؛ «در جنگ سرد، ترکیبی از قدرت سخت و نرم بود که پیروز شد. قدرت سخت، قدرت نظامی بازدارنده ایجاد کرد اما قدرت نرم سیستم شوروی را از درون دچار فرسایش کرد» (۱۳۸۷: ۱۱-۹) دیپلماسی عمومی به‌عنوان یکی از شیوه‌های نفوذ نرم در دوران جنگ سرد ویژگی تمایز بخش این دوره است. جوزف نای در کتاب قدرت نرم خود نشان می‌دهد که طی دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم، بیش از ۷۰۰۰۰۰ نفر در تعاملات فرهنگی و دانشگاهی با آمریکا شرکت داشته‌اند و این تعاملات منجر به تربیت رهبران جهانی مانند انورسادات^۱، هلموت اشمیت^۲، مارگارت تاچر^۳ شده است. (همان، ۱۹۵-۱۹۷) الگ کالوگین از مقامات بلندیایه کا.گ.ب نیز گفته بود که مبادلات دانشگاهی برای شوروی همچون اسب تروا بود. این مبادلات نقش عمده‌ای را در فرسایش سیستم شوروی ایفا کردند (همان: ۱۰۴-۱۰۳).

با وجود این، تمایز بارز نفوذ نوین با نفوذ سنتی، نیمه نرم شدن نفوذ، موسع شدن عرصه‌ها و اهداف نفوذ به فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و نظامی، فناوریانه، تنوع ابزارهای نرم مانند خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها، شیوه‌های اعمال نفوذ مانند عملیات روانی، استراتژی فریب،

¹ Anwar Sada

² Helmut Schmidt

³ Margaret Thatcher

دیپلماسی عمومی، تنوع نفوذگران اعم از دولتی و غیردولتی، افزایش کارکردهای سازمان‌های اطلاعاتی و ضد اطلاعات است که همه اینها در چارچوب اثبات‌گرایی مدرن طراحی و به کارگیری می‌شد.



- پارادایم نفوذ فرانوین

پایان جنگ سرد و فروپاشی نظم دو قطبی و تلاش‌های نظری و راهبردی برای استقرار نظم جدید امریکایی، تحولات شگرف فناوری‌های ارتباطی و کارکردهای متنوع و متکثر جهانی آن، شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای و عصر اطلاعات (کاستلز، ۱۳۸۵: ۵۴۴)، طرح نظریه‌های نرم افزارگرایی مانند هنجاری شدن قدرت، قدرت نرم، قدرت مولد، قدرت مجازی در حوزه‌های راهبردی و امنیتی، چهره‌ای جدید از قابلیت‌ها و توانایی‌های تاثیرگذار و نفوذ به دولت‌ها داد، که بیانگر به طور پارادایمی نفوذ نوین به نفوذ فرانوین است.

اولین و مهم‌ترین تحول پارادایمی نفوذ فرانوین در غرب، تحول هستی‌شناختی آن است؛ ماهیت و جوهره واقعیات نفوذ در عصر جدید متفاوت شد. جوهره نفوذ در دوره‌های قبل،

فیزیکی و مشاهده پذیر، سخت، یا نیمه سخت و حداکثر نیمه نرم تلقی می‌شد، اما در پارادایم فرانویین نفوذ، جوهره نافیزیکی، نرم و طبیعی تبدل یافت.

تحول معرفتی دومین موضوعی است که در انتقال و به طور نفوذ نوین به فرانویین تأثیر قابل توجهی داشت. گفتمان اثبات‌گرایی مدرن مبنای نظری و معرفتی پارادایم نفوذ نوین بود، اما نقدهایی که تفسیرگراها، و نظریه پردازان انتقادی بر این گفتمان وارد کردند، عمق معنایی نفوذ را وسعت داد و سبب شکل‌گیری نفوذ فرانویین شد. بر مبنای این گفتمان، پدیده‌ها از جمله افعال انسان ظاهر و باطنی دارد، که در این میان اصالت با باطن است. فهم پدیده‌ها و رفتارها نیز یک راه بیشتر ندارد و آن مراجعه به درون و درک آن است. از این‌رو، تفاسیر بدیعی را از پدیده‌ها و افعال و رفتارها ارائه شد که برای اثبات گرایان اعم از سنتی و مدرن چندان شناخته شده نبود (افتخاری و نصیری، ۱۳۸۳: ۷۶).

سومین تحول مربوط به انسان‌شناختی است. در عصر و فضای جدید، انسان به‌عنوان بازیگر اصلی در مرکز تحولات اجتماعی قرار گرفت. به بیان دیگر انسان موضوعیت محوری‌تر پیدا کرد و اهداف جغرافیایی، سرزمینی و ژئوپولیتیکی در قالب یک جابه‌جایی و تغییر الگوی هدف به حاشیه رانده شد و اراده انسان‌ها، طرز تفکر، اعتقادات، نگرش‌ها و باورهای آنها تعیین‌کننده میدان اصلی منازعه و نبرد گردید. (سلامی، ۱۳۸۹/۱۲/۴) الوین تافلر با توجه به این تحول می‌گوید «به‌دست آوردن صد پیروزی در صد نبرد، اوج کاردانی نیست، چیره شدن بر دشمن، بدون جنگیدن، کمال زبردستی است» (تافلر، ۱۳۷۴: ۱۷۵) دلالت این اندیشه در نفوذ این است که برای مهار و سلطه بر ملت‌ها نیازی به اهرم فشارهای روانی یا عینی و ملموس و ترس از محرومیت‌های مادی برای مجبور ساختن و به تسلیم وادار کردن آنان نیست، بلکه با بهره‌گیری از قدرت نرم افزاری و تکنولوژی ارتباطات نوین می‌توان به ساخت واقعیات مجازی پرداخته و فضا و زمینه‌هایی را فراهم ساخت که ملت‌ها از طریق پذیرش و اقیان و با میل و علاقه خویش به خواسته‌ها و انتظارات رقیب تمکین نمایند.

از دیگر وجوه ممیزه نفوذ فرانویین، قدرت تأثیرگذاری شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر جامعه هدف است. استفاده گسترده جهانی و روز افزون اینترنت، شبکه‌های اجتماعی مجازی

و وب سایت‌های اینترنتی، تلفن‌های هوشمند، فناوری‌های ارتباطاتی نوین را به یکی از اصلی‌ترین و در عین حال مهم‌ترین ابزارهای اعمال نفوذ در دنیای پسا صنعتی تبدیل کرده است. به همین جهت، فضای سبیرنتیکی^۱ اینترنت، باعث شد تغییر شگفت‌انگیزی در تفکر استراتژیک جنگ و سلطه ایجاد شود به گونه‌ای که جوزف نای فراتر از کاستلز فضای سایبر را کلید قدرت در قرن بیست و یکم دانست. قدرت سایبری می‌تواند برای حصول نتایج مطلوب در داخل فضای سایبر استفاده شود، یا می‌تواند از ابزارهای سایبری برای کسب نتایج مطلوب در حوزه‌های دیگر خارج از فضای سایبر استفاده کند (باقری، ۱۳۹۶: ۱۳۸).

طرح و به کارگیری فناوری‌های قدرت، یکی دیگری از تحولاتی است که سبب ظهور پارادایم نفوذ فرانونین شد. فناوری‌های نرم قدرت، مانند گفتمان سازی، مرجعیت سازی، اسطوره سازی، سوژه سازی است. در واقع فناوری قدرت، مهارت‌ها، ابزارها، روش‌ها و قواعد، کردارها، رویه‌ها و تکنیک‌های جزیی است که روح، فکر، ذهن، رفتار و شیوه زندگی انسان از طریق آنها شکل داده می‌شود و به گونه‌ای که در گذشته چنین وضعیتی وجود نداشته، سوژه انسانی در راستای اهداف مطلوب و ایجاد نتایج همساز مدیریت می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۲-۱۳).

قدرت ناشی از عصر اطلاعات و جامعه شبکه‌ای بر کارکردهای سازمان‌های اطلاعاتی نیز تأثیر بنیادینی گذاشت. به بیان دیگر جامعه شبکه‌ای تأثیرات اساسی بر حوزه‌های فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی، لایه‌های اقدام پنهان، ضد اطلاعات، جمع‌آوری اطلاعات و حوزه بررسی و تحلیل اطلاعات گذاشت. اکنون محیط اطلاعاتی ثابت گذشته، جای خود را به محیطی پویا و رقابتی داده است. لایه‌های اطلاعاتی نیز متحول شده و تمام حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی، زیست محیطی، بهداشتی و پزشکی را شامل می‌شود. وجوه تهدیدات اطلاعاتی نیز دوجوهی شده است، سطح محرمانگی بر اثر جامعه شبکه‌ای متحول گردیده و بر خلاف گذشته همگان صاحبان اطلاعات هستند. مفهوم هویت در این عصر دگرگون شده و چهره‌های مجازی، دیجیتالی، فردی، گروهی پیدا کرده به نحوی که هر یک از شهروندان موضوع نفوذ سازمان‌های اطلاعاتی هستند. به کارگیری روش‌های بین

^۱ Cybernetics

رشته‌ای، استفاده از دانشمندان سایر رشته‌ها در حوزه اطلاعات و ضد اطلاعات و به‌کارگیری فناوری‌های نوین در جمع‌آوری پنهان، نفوذ را متحول ساخت (قاضی زاده، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۶). ارزیابی اطلاعات رشته‌ای بود که تا اواخر قرن بیستم، کمتر در معرض تغییر قرار گرفت تا اینکه، انقلاب رایانه‌ای و در پی آن انقلاب اینترنتی، شیوه‌های ذخیره سازی، بازسازی داده‌های اطلاعاتی را تغییر داد. انقلاب اطلاعاتی، چشم‌انداز اطلاعات منابع آشکار را به‌عنوان ابزاری حیاتی به روی سازمان‌های اطلاعاتی گشود. دسترسی سریع به انبوه دانش جهانی با کمک موتورهای جستجوگر، ماهیت ارزیابی اطلاعات را تغییر داد و تکیه سنتی بر اسناد را از اساس بی اعتبار کرد (میرمحمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

نفوذگران اطلاعاتی یا بازیگران عملیات نفوذ و اقدام پنهان سرویس‌های اطلاعاتی در پارادایم نفوذ فرا نوین نیز به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است. در گذشته و به‌ویژه در دوران جنگ جهانی دوم و جنگ سرد، عمده بازیگران، دولت‌ها و به‌عبارتی، سرویس‌های اطلاعاتی بودند. امروزه، علاوه بر دولت‌ها، بازیگران غیر دولتی مانند برخی از نیروهای اپوزیسیون و مخالف در داخل کشورها یا برخی افراد که از صلاحیت بین‌المللی برخوردارند و برخی از جنبش‌های نوین اجتماعی، برخی از احزاب سیاسی، برخی از سازمان‌های مردم نهاد، و حتی برخی از شهروندان نیز به فعالیت جمع‌آوری و نفوذ روی آورده‌اند. در واقع فعالیت اطلاعاتی در عرصه شبکه‌های مجازی و اینترنتی، منجر به تولید و رشد جاسوسان غیر دولتی شده و افراد حقیقی و حقوقی، نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام می‌نمایند. در واقع شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات از حالت سنتی دوران جنگ سرد خارج شده و علاوه بر سازمان‌های اطلاعاتی، سایر بازیگران نیز به‌یکی از عوامل اصلی جمع‌آوری تبدیل شدند. فعالیت نفوذ در قالب و پوشش فعالیت‌های مدنی و سمن‌ها (NGO ها)، فعالیت‌های رسانه‌ای، پزشکی، بهداشتی، درمانی و عام‌المنفعه، فعالیت‌های آموزشی و دانشگاهی از نتایج پارادایم نفوذ فرانوین است. به اعتقاد شولتز و گادسون (۱۳۸۶) امروزه علاوه بر دولت‌ها، حتی بازیگران غیردولتی نیز تعیین کننده محیط اصلی اطلاعات نخواهند بود، بلکه افراد به‌عنوان عناصر اصلی نقش آفرینی خواهند کرد. همچنین به‌همت فناوری‌های نوین، عصر میکرو جاسوسها

ظهور کرد و در آینده نیز روبات‌های مینیاتوری می‌توانند جاسوس‌های خوبی برای سرویس‌های اطلاعاتی باشند.



ملاحظات امنیتی

تحول بنیادین پارادایم نفوذ، به‌طور اساسی کارایی و اثربخشی سیستم‌های امنیتی را به‌چالش کشیده است. سیستم‌های امنیتی، ناگزیر به‌تحول هستند و لازمه این تحول نیز درک عمیق و دقیق از پارادایمی نفوذ فرانوین است. سیستم‌های حفاظتی با توجه به‌نفوذ فرانوین نمی‌توانند ملاحظات و شرایط گذشته را ادامه دهند. اولین نکته این است که حفاظت از اسناد به‌دلیل پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و برداشته شدن مرزها اعتبار گذشته خود را از دست داده است. حفاظت اسرار جایگزین مناسبی است و باید ساز و کارهای آن را براساس شرایط نوین فراهم ساخت. جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات سنتی که فرآورده پارادایم نفوذ نوین است در شرایط کنونی توضیح دهنده راهبرد نفوذ دشمن نیست، زیرا جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در پارادایم نفوذ فرانوین طیف‌هایی از داده‌های مربوط به‌ذائقه‌ها، عواطف و گرایش، نگرش‌ها و ترجیحات جامعه هدف تا داده‌ها و اطلاعات آشکار

و پنهان را در بر می‌گیرد. فناوری‌های جدید اطلاعاتی نیز از سرعت، دقت، شفافیت در عین حال کارایی برخوردار است. (میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۹۳) به همین دلیل ملاحظات حفاظتی سنتی در این زمینه کارآمدی ندارد و لازم است که برای همه موارد موصوف تدبیری اندیشید و علاوه بر بازسازی حفاظت در دسترسی و حفاظت در پردازش، حفاظت در بینش و سایر مؤلفه‌های نرم را نیز باید طراحی کرد.

پارادایم نفوذ فرانونین که اصالت را بر نگرش، ادراک و شکل دهی سوژه انسانی داده است، ملاحظات امنیتی جدیدی را می‌طلبد که به جای حفاظت از رفتار یا تمرکز بر نفوذ رخنه‌ای و جلبی باید مصونیت سازی نگرش‌ها و گرایش‌ها را در اولویت قرار داد. لازمه مصونیت بخشی در این زمینه نیز قرار گرفتن رصد هوشمندانه نفوذ جریانی، معرفتی و فکری، گفتمانی و ذایقه‌ای در زمره وظایف سازمان‌های اطلاعاتی است. از سوی دیگر، خود کنترلی و خودحفاظتی می‌تواند مهم‌ترین ساز و کار نفوذ فوق‌الذکر باشد و این موضوع باید بر کنترل از بیرون یا کنترل حفاظتی رجحان یابد. این امر نیز میسر نیست مگر این که تعمیق باورها، اعتقادات مذهبی و ملی، دانش حفاظتی، فضایل اخلاق فردی و حرفه‌ای در فکر، ذهن و قلب افراد و کارکنان صورت گیرد و انسان‌های خود کنترل‌گر تربیت شوند. (نظامی پور، ۱۳۸۹: ۶۹) اگر معرفت دینی در جان افراد تنیده نشود، در برابر موج شبهات و القانات دشمن، مقاوم و پایدار نخواهند ماند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳).

تحول پارادایمی نفوذ در عصر انفجار اطلاعات و انقلاب ارتباطات، تحول سازمان‌های امنیتی را از ماهیت انفعالی و تدافعی به پیشگیرانه فعال، پیش دستی و پیش نگری ضرورت بخشیده است. از این گذشته، سازمان‌های اطلاعاتی و حفاظتی دیگر نمی‌توانند برنامه‌های پیشگیرانه و پیش نگری خود را صرفاً حول تحرکات و اقدامات سرویس‌های اطلاعاتی و جاسوسی قرار دهند، بلکه به دلیل افزایش شمار کنشگران غیردولتی در عرصه جهانی در طول دو دهه اخیر ورود بازیگران متنوع و متکثر در پروژه‌های نفوذ، ملاحظات امنیتی و حفاظتی نوینی را ایجاد می‌کند. لازمه تحول بازیگران نفوذ از ماکرو به میکرو و از محدود به نامحدود، در شرایط نفوذ فرانونین، تغییر و بازنگری در کارکردهای ضد اطلاعات است که باید گسترده‌تر، پیچیده‌تر و هوشمندانه‌تر شوند؛ ضمن این که در فضای جدید، مسیرهای نفوذ دشمن متنوع، متکثر، نرم،

طبیعی و غیر حساسیت بر انگیز و تشخیص آنها نیز بسیار دشوارتر نسبت به گذشته شده است. این تحول، مستلزم بین رشته‌ای شدن حفاظت اطلاعات و ضد اطلاعات به‌جای تکیه بر دانش و مهارت اطلاعات و امنیت است.

نتیجه

نفوذ فرانونین در ابتدای راه است و مستظهر به ابعاد مختلف قدرت نرم اعم از قدرت در معنای چهره سوم و چهارم آن، و قدرت مجازی و هوشمند است. شرایط فناورانه عصر فراصنعتی و منابع و ابزارهای قدرت، مقوله نفوذ را به‌طور ماهوی متحول ساخته است، به‌نحوی که نفوذ فرانونین از لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، نوع قدرت و منابع آن، هدف، آماج، ابزار، شیوه‌های اعمال، نوع، ساختار، بازیگران و کارکردهای سرویس‌های اطلاعاتی در نسبت با نفوذ سنتی و نوین تفاوت بارز و بین پیدا کرده است. (جدول شماره ۲) در نفوذ فرانونین بازیگر عامل با همه تنوع و تعددش با ابزارهای بسیار پیشرفته، متنوع و متکثر و با برخورداری از همه منابع و ابزارهای قدرت نرم به‌دنبال نفوذ و تأثیرگذاری بر مبادی، منابع و محافظ نرم، نیمه سخت و سخت جامعه هدف و تغییر و جابه‌جایی نگرش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و ساختارها است.

پارادایم معیار	نفوذ سنتی	نفوذ نوین	نفوذ فرانونین
هستی‌شناسی	وجود فیزیکی - ظاهری	وجود فیزیکی - روانی	وجود نافیزیکی - باطنی
معرفت‌شناسی	اثبات‌گرایی سنتی	اثبات‌گرایی مدرن	تفسیرگرایی و انتقادی
انسان‌شناسی	موجودی ابزاری	روان انسان	باطن انسان (نگرش، باور، عواطف، ذائقه‌ها، اراده، ادراک و محاسبات)
قدرت	سخت	نیمه سخت و نیمه نرم	نرم، رادیکال، مولد و مجاز
انگیزه و هدف	نظامی	نظامی، سیاسی، اقتصادی	نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی
آماج	سربازان و فرماندهان	سربازان و فرماندهان و پشتیبان آنها	سربازان و فرماندهان، مردم، سیاستمداران و نخبگان

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی

ابزار اعمال	شایعه	رسانه، رادیو، روزنامه، تلفن، خبرگزاری، شنود، هواپیماها و ماهواره‌های جاسوسی، و...	ماهواره، اینترنت، خبرگزاری، تلفن هوشمند، رادیو، روزنامه، تلفن، خبرگزاری، سینما، شبکه‌های اجتماعی مجازی، فناوری‌های نرم قدرت و... میکرو جاسوسها، هوش مصنوعی؛ دیتا مینینگ و...
شیوه اعمال	زور، تهدید، ارباب	اجبار، فریب و اغوا، عملیات روانی	جذب، اقتاع، اغوا، مدیریت ادراک، فریب استراتژیک، دیپلماسی عمومی،
ساختار	تک بعدی بسیط	دو بعدی مرکب	چند بعدی پیچیده هوشمند
بازیگران	دولت‌ها و جاسوسان	دولت‌ها و سرویس‌های جاسوس و مؤسسات غیر انتفاعی و غیر دولتی	دولت‌ها و گروه‌ها، سمن‌ها، شخصیت‌ها، روشنفکران، محققان، هنرمندان، اصحاب رسانه، افراد عادی و...
انواع	موردی	موردی و جریانی	موردی، جریانی، فکری - معرفتی، گفتمانی،
کارکرد جاسوسی	محصول محور - اطلاعات فیزیکی	محصول محور - اطلاعات کلامی	تأثیر محور - اطلاعات دیجیتالی و نگرشی و ذایقه‌ای
عرصه‌ها	نفوذ تاکتیکی - نظامی و اطلاعاتی	نفوذ استراتژیک - نظامی و اطلاعاتی و اقتصادی	نفوذ استراتژیک فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و استراتژیک - نظامی و اطلاعاتی،

جدول شماره (۲) مقایسه پارادایم‌های نفوذ سنتی، نوین و فرانونین

با توجه به تحول پارادایمی نفوذ و ماهیت شناسی آن، به این نتیجه رهنمون می‌شویم که درجه تهدیدات ناشی از نفوذ فرانونین فوق حیاتی است، زیرا تمام زوایا و بنیادهای اساسی و مهم جامعه هدف را در معرض نفوذ و رخنه قرار داده است. از این‌رو، ملاحظات حفاظتی و امنیتی در سطوح ساختاری - تشکیلاتی، قوانین و مقرارت، اسناد و مدارک و سرمایه انسانی در همه سطوح نیازمند بازنگری و بازسازی متناسب با پارادایم نفوذ فرانونین است. در این میان، حفاظت در بینش، گرایش و عواطف و رفتار افراد، اساسی‌ترین موضوع در ملاحظات امنیتی است.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

۱. آقابخشی، علی اکبر و مینو، افشاری‌راد (۱۳۸۶)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: چاپار.
۲. احمدیان، علی اکبر (۱۳۹۴)، نظریه نفوذ؛ تبیین ماهیت انواع نفوذ و رابطه آنها با دستگاه چهار طیفی تهدید، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۲۸.
۳. افتخاری، اصغر و نصیری قدیر (۱۳۸۳)، روش و نظریه در امنیت پژوهی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۴. باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۵)، موج چهارم جنگ نرم، قم: پژوهشگاه امام صادق (ع)
۵. بیانات مقام معظم رهبری، www.khamenei.ir
۶. تافلر، آوین و هایدی (۱۳۷۴)، جنگ و پادجنگ زنده ماندن در سپیده دم سده بیست و یکم، ترجمه مهدی بشارت، تهران: اطلاعات.
۷. تزو، سن (۱۳۵۹)، هنر جنگ، ترجمه حسن حیبی، تهران: قلم.
۸. دمارانش، کنت و اندلمن. دیوید ای (۱۳۸۶)، جنگ جهانی چهارم: دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت، ترجمه سهیلا کیانتاژ، تهران: اطلاعات.
۹. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، فناوری‌های قدرت در جنگ نرم، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۵۱.
۱۰. دال، رابرت و استاین بریکنر، بروس (۱۳۹۲)، تحلیل سیاسی مدرن، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: فرهنگ رجا.
۱۱. رستمی، میلاد (۱۳۹۵)، شناخت پیشرفته‌ترین ابزارها و روش‌های جاسوسی و نفوذ دشمن از طریق فناوری و ارائه راه کارهای مقابله‌ای، مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی، ش ۳۹.
۱۲. ساندرز، فرانسس استانر (۱۳۸۲)، جنگ سرد فرهنگی: سیا در عرصه فرهنگ و هنر، تهران: انتشارات غربشناسی.
۱۳. ستوده، محمد (۱۳۷۲)، شیوه‌های نفوذ و سلطه فرهنگی در روابط بین‌الملل، فصلنامه مصباح، ش ۶، تابستان.

۱۴. قلی پور، سعادت و علی، آذر (۱۳۹۳)، بررسی نشانگاه‌های اطلاعاتی-امنیتی رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، ش ۷۸.
۱۵. سلامی، حسین (۱۳۸۹)، ورود به عرصه‌های مأموریتی جدید، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=8912040923>
۱۶. شولتز، ریچارد، گادسون، روی و کوئیستر، جورج (۱۳۹۲)، رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی، ترجمه محمدتقی متقی‌نژاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۷. شولسکی، آبرام (۱۳۸۷)، نبرد بی صدا؛ درک دنیای اطلاعات، تهران: دانشکده امام باقر (ع).
۱۸. عاصف، رضا (۱۳۷۸)، سازمان‌های اطلاعاتی انگلیس، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۱۹. قاسمی شوب، محمد (۱۳۹۵)، نفوذ از دیدگاه قرآن کریم، مندرج در کتاب درآمدی بر تبیین مفهومی و مصداقی نفوذ، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (ع).
۲۰. قاضی زاده، علیرضا (۱۳۹۰)، تأثیر جامعه شبکه‌ای بر فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی، فصلنامه مطالعات راهبردی ش ۳، پاییز.
۲۱. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات، ترجمه، احمد علیقلیان، افشین خاکباز و علی پایا، تهران: طرح نو.
۲۲. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵) عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (جلد ۱، ظهور جامعه شبکه‌ای)، ترجمه احمد علیقلیان، افشین خاکباز، حسن چاوشیان؛ ویراسته علی پایا، تهران: طرح نو.
۲۳. کریمی، یوسف (۱۳۷۷)، روان‌شناسی اجتماعی، تهران: ارسباران.
۲۴. کلگ، استوارت (۱۳۷۹)، چهارچوب‌های قدرت، ترجمه مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲۵. کوهن، تامس س ۱۳۶۹، ساختار انقلاب‌های علمی، ترجمه احمد آرام، انتشارات سروش.
۲۶. کیانی، غلامرضا و وفا، غفاریان (۱۳۸۰)، استراتژی اثربخش، تهران: انتشارات فرا.
۲۷. گیتی، کاوه (۱۳۷۹)، شصت سال رادیو در ایران (۱۳۱۹-۱۳۷۹)، تهران: کاوه.

۲۸. میرمحمدی، سید مهدی (۱۳۹۰)، سازمان‌های اطلاعاتی و سیاست خارجی، تهران: ابرار معاصر تهران.
۲۹. میرمحمدی، سید مهدی (۱۳۹۲)، سازمان‌های اطلاعاتی: چهارچوبی برای تحلیل، تهران: ابرار معاصر.
۳۰. نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۳۱. نظامی پور، قدیر (۱۳۸۹)، گفتگوی علمی با نخبگان، آینده مبتنی بر آموزه‌های دینی و متکی بر روش‌های نوین علمی، تهران: دانشکده امام هادی (ع).
۳۲. هالستی، کالوی یاکو (۱۳۷۲)، اعمال سیاست خارجی: قدرت، توانایی و نفوذ، ترجمه بهرام مستقیم، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش صفر.

منابع انگلیسی

1. Merriam Webster: Merriam Webster's Collegiate Dictionary, United States of America, by Merriam Webster, 11ed, 2003, p641.
2. Dahl, Robert, (1957) The concept of Power, Behavioral Science, 2 Farrell, Theo. (2002) Constructivist Security: Portrait of Research Program, International Studies